



محمدنقی زاده، عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران
dr_mnaghizadeh@yahoo.com

جلوه‌های زیبایی در باغ ایرانی

چکیده: باغ یکی از آثار انسانی است که به عنوان عامل هویتی و نمایش عینی باورهای جامعه ایفای نقش می‌کند. غرض از باغ‌سازی هر چه باشد یکی از پیامدهای محتوم آن زیباآفرینی است؛ با عنایت به ارتباط تنگاتنگ باغ ایرانی و زیبایی، شناسایی اصول حاکم بر زیبایی باغ ایرانی و مبانی آن مراتب زیبایی این باغ‌ها هدف اصلی پژوهش حاضر است. با عنایت به این که برای موضوع مقاله (باغ) صفت ایرانی ذکر شده، روش اصلی، تفسیر و تحلیل متون و همچنین تحلیل آثار موجود خواهد بود.

واژگان کلیدی: باغ ایرانی، زیبایی طبیعت، عناصر طبیعی، ایران، اسلام.

مقدمه

برای انسان سه ساحت وجودی: "جسم"، "نفس" و "روح" مطرح است که موضوعات مرتبط و مابهازای هر ساحت را به ترتیب موضوعات "کمی" (یا فیزیولوژیکی)، "کیفی" و "معنوی" (یا روحانی) می‌نامیم. به تناسب ساحت‌های حیات انسان، برای زیبایی نیز می‌توان متناظر با هر ساحت، مابهازایی را بازشناخت. سید محمد حسین طباطبایی (۱۳۷۴) طبقات اصلی زیبایی را چنین برمی‌شمارد:

• زیبایی کمی، که برخی مصادیق آن، عبارتند از: زیبایی صوری، ظاهری، بصری، محسوس، مادی و همچنین برخی از طبقات زیبایی‌های طبیعی و هنری.

• زیبایی کیفی با مصادیقی چون زیبایی روانی، نمادین، باطنی، کیفی و همچنین مراتبی از زیبایی‌های معقول، طبیعی و هنری.

• زیبایی معنوی شامل زیبایی روحانی، الهی، باطنی، معقول و زیبایی‌های در قلمرو هنر و زیبایی طبیعی.

در کنار اینها، "زیبایی‌نمایی" نیز وجود دارد که خود را به نام "زیبایی" به انسان القا می‌کند، و آن را "زیبایی شیطانی" می‌خوانیم، که ممکن است برخی وجوه آن در مصادیق زیبایی کمی مصداق داشته باشد.

علاوه بر سه مرتبه زیبایی‌های معنوی، کیفی و کمی از گذشته‌های دور برخی از حکما زیبایی را به دو گروه اصلی "زیبایی‌های طبیعی" و "زیبایی‌های هنری" تقسیم می‌کردند (نقی زاده، ۱۳۸۸) که این دو گروه نیز در همان سه مرتبه مورد نظر قرار گرفته‌اند. نکته دوم اینکه هریک از جلوه‌ها می‌تواند با شدت و ضعف متفاوت جلوه‌هایی از یک، یا چند مرتبه زیبایی را به نمایش بگذارد. نکته سوم اینکه تعبیر «باغ ایرانی» در بر دارنده همه انواع باغ، باغ‌های پیرامون کاخ‌ها منحصر نیست.

اجزای طبیعت و معانی نمادین برخی از آنها

طبیعت را از منظرها و به شیوه‌های مختلفی می‌توان طبقه‌بندی کرد؛ که اصلی‌ترین آنها طبقه‌بندی طبیعت و اجزای آن در طیفی از ماده به معنا و از محسوس به معقول است. اولین و محسوس‌ترین جزو طبیعت، کالبد است که از آن به گروه عناصر طبیعی تعبیر می‌کنیم. این موضوعات یا به صورت عناصری همچون آب، خاک، گیاه، هوا، نور، جانداران و امثالهم تجلی یافته‌اند، یا به صورت مجموعه‌هایی مرتبط و متشکل از تعداد متناسب و هماهنگ و مرتبط از این عناصر

طبیعت و عناصر طبیعی را به شیوه‌ای که خود مناسب و مطلوب می‌یابند در معرض حواس انسان قرار می‌دهند؛ که هنرهای بصری بیشترین استفاده را از این روش می‌برند. ثالثاً، بهره‌گیری از طبیعت و عناصر آن، به عنوان نماد و نشانه برخی مضامین مورد نظر و باور هنرمندان در تبیین نظرآنها نیز در بسیاری از هنرها به ویژه در ادبیات و هنرهای تجسمی و معماری رایج است.

با بهره‌گیری از عناصر طبیعی، زبانی نمادین (سمبلیک) خلق می‌شود که به معرفت و حقایق و زیبایی‌های معنوی اشاره می‌کند. با عنایت به اینکه در رمزگرایی عرفا تردیدی نیست، در نتیجه، در بهره‌گیری آنها از طبیعت و عناصر طبیعی به عنوان نمادها و رموز ابهامی وجود ندارد.

در مقابل نماد، تمثیل قرار دارد، که از نظر فلسفی و کلامی شکل تنزل‌یافته یک موضوع عالی و معنوی است؛ از چیزی تمثیل ساختن، یعنی به نحوی آن را متجسد ساختن؛ و تمثیل بهشت ساختن، یعنی بهشت اخروی را در دنیا متجسد کرد.

همه عناصر طبیعی به ویژه در میان مسلمانان و ایرانیان معانی والا و معنوی را به ذهن متبادر می‌نمایند که با عنایت به قرابت آنها با وضع طبیعی عناصر، این ویژگی با خصوصیات همسین عناصر در باغ‌هایی که عناصر طبیعی از حالت طبیعی خود دور می‌شوند کارآمدتر می‌باشد.

۲. القای ارزش‌های اخلاقی

ایرانیان از قدیم الایام وجد ویژگی‌های خاص و والای اخلاقی بوده‌اند، که این صفات، در تنظیم رابطه با طبیعت و در تنظیم شیوه زیست آنها تأثیری در خور داشته است. عزت نفس، قناعت، هم‌زیستی با طبیعت، سخت‌کوشی، عدم اسراف، احتراز از بطالت و لغو، بری‌بودن از حرص و از صفات ایرانیان بوده است؛ که همه این ویژگی‌ها بر آثار و شیوه زیست و ارتباطات انسانی و ارتباطشان با طبیعت تأثیر گذاشته است. از نمونه‌های این صفات اخلاقی، ابداع قنات بوده است.

امام الموحّدین در پاسخ به سؤالی که معنی "حیات طیبه" را که در آیه شریفه ۹۷ سوره مبارکه نحل مورد اشاره قرار گرفته، می‌فرمایند: "قناعت" (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، ح ۲۲۱: ۹۰۳). به سهولت می‌توان گفت ایرانیانی که قناعت پیشه کرده و در سخت‌ترین شرایط طبیعی بیشترین تولید و

ظاهر می‌شوند که به عنوان "اکوسیستم" در جهان قابل مشاهده‌اند. کالبد طبیعت موضوعی است که در وهله اول مورد توجه انسان قرار گرفت.

گروه دوم شامل قوانین حاکم بر طبیعت است که در علوم تجربی مانند فیزیک و شیمی طبقه‌بندی شده‌اند. این قوانین خط سیر هریک از اجزای طبیعت، رابطه آنها با هم و تأثیراتشان بر یکدیگر را تبیین می‌کنند. این قوانین که از سوی مکاتب فکری امر پذیرفته شده‌ای هستند، از نظر متألهین، از سوی خداوند تبارک و تعالی بر هستی حاکم و مقرر شده‌اند. این قوانین از آن جهت اهمیت دارند که غفلت از آنها موجب برهم‌خوردن تعادل موجود در زمین و محیط زندگی می‌شود. گروه سوم اصول حاکم بر طبیعت هستند که ممکن است تفاسیر متفاوتی از آنها ارائه شود. اهم این اصول عبارت است از: وحدت، تعادل، هماهنگی و زیبایی. این اصول در واقع اصولی کیفی هستند که تعاریف آنها از منظر جهان بینی‌ها و فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، متفاوت است.

اما گروه چهارم شامل ارزش‌های مستفاد از طبیعت است که در تماس با طبیعت و تعمق و تدبّر در آن برای انسان مکشوف می‌شوند. برای نمونه ارزش‌هایی چون تسبیح، تنزیه و ذکر را می‌توان در این گروه قرار داد. این ارزش‌ها که در تماس با طبیعت برای متألهین قابل استنتاج و هستند و آیات الهی نیز مکرراً به آنها اشاره کرده‌اند (اسراء: ۴۴، انبیاء: ۱۹ و ۲۰، حدید: ۱، حشر: ۱ و ۲۴، صف: ۱، جمعه: ۱ و تغابن: ۱).

جلوه‌های مختلف زیبایی در باغ ایرانی

۱. معانی نمادین والا و معنوی

خلاف آرای که "باغ ایرانی" را به عنوان "تمثیلی از بهشت" (بهشت قرآنی، اخروی یا آسمانی) معرفی می‌کنند، در اینجا سخن نه از تمثیل که از ایفای نقش برخی از عناصر باغ به عنوان نمادهایی از بهشت یا موضوعات معنوی است. هنرمندان، در خلق آثار هنری، به روش‌ها و طرق گوناگون، در زمینه‌های مختلف و با مقاصد متفاوت، از طبیعت و عناصر طبیعی و اصول و ارزش‌های حاکم بر آن بهره می‌گیرند؛ به طوری که، اولاً، همه هنرها به نحوی از عناصر طبیعی به عنوان ماده اولیه ظهور اثر هنری استفاده می‌کنند. ثانیاً، برخی از آنها جهت ارتباط با انسان‌ها از طریق ادراکات حسی آنان،

امکان درک شباهت بی نظیر باغ‌ها به یکدیگر است که پس از آشنایی با نمونه‌های محدودی از آنها، و با تثبیت صورت ادراکی مشخص در ذهن انسان، ادراک سایر باغ‌های ایرانی به سهولت ممکن و میسر می‌شود.

دلیل دیگر ظهور این سادگی کاربری مخصوص و محدود این باغ‌ها بوده و کسانی که وارد باغ می‌شده‌اند مجاز به درک باغ بوده‌اند؛ و در حقیقت، باغ برای آنان خوانا بوده است. در واقع، طراح و مالک و سازنده باغ، در فضایی که برای استراحت و تفریح و آرامش و احتمالاً تفکر خویش و نزدیکان خود ایجاد می‌کردند، قصد نداشته تا ایجاد ابهام و پیچیدگی کند. چرا که این جزو فرهنگ ایرانی بوده که جز برای افراد فاقد صلاحیت و اهلیت لازم، فضا و آثار را پیچیده نمی‌کرده‌اند.

۶. جلوه‌های گیاهان

برخلاف باغ‌های مغرب زمین که علاوه بر فرم‌های هندسی پیچیده و لایرنتی، شکل‌دادن و هرس گیاهان گاه آنها را به صورت تندیس‌هایی نمایان می‌سازد (تصویر ۱)، در باغ‌های ایرانی، شیوه کاشت سبب می‌شده تا باغ‌ها، از نظر زیبایی و سادگی؛ و آیه‌بودن و تذکردهی، با طبیعت بکر تمایزات جدی نداشته باشند، و زیبایی آنها مترادف با زیبایی طبیعی باشد و نه صرفاً زیبایی هنر. علاوه بر اینها، برخی از گیاهان، از جمله سرو، زیتون، توت، چنار، گل محمدی، یاس و مانند اینها در میان ایرانیان معانی والای خاص خود را داشته‌اند؛ که قاعدتاً حضورشان مقوم زیبایی باغ بوده است.

باغ ایرانی نیز با حداقل دخالت باغبانان، عموماً طبیعت را با اندکی تنظیم و تغییراتی که فقط برای زندگی و فعالیت انسان در آنها به عمل آمده، در مقابل دیدگان ناظرین قرار می‌دهند، و در واقع، خالق طبیعت و زیبایی‌های معنوی را از ذهن‌ها و انظار مخفی و مستور نمی‌دارند.

استفاده از انواع گیاهان بومی (و ایرانی) سبب تقویت هویت، تداوم تاریخی، رشد و نمایش بوم‌گرایی، خودکفایی و آشنایی مردمان با معانی و فضاهای فعالیت بومی می‌شود. ضمن استفاده از گیاهان غیربومی مناسب نیز در محدوده‌های خاص در آموزش مردمان و به ویژه کودکان و نوجوانان مؤثر خواهد بود.

۷. کوچه‌باغ‌های ایرانی

عموماً کوچه‌باغ‌های باریک، باغ‌های ایرانی را از یکدیگر جدا می‌کرده؛ که اغلب جوی‌های آب نیز از میانه یا کناره آنها جاری بودند و دیوارهای چینه‌ای یا پرچین‌هایی کوتاه حدود باغ‌ها را شکل می‌دادند (تصویر ۲). طی دهه‌های اخیر، آن دسته از باغ‌های سنتی که در داخل محدوده یا مجاور بلافاصل شهرها قرار داشته‌اند، نابود شده یا در حال نابودی هستند، و کوچه‌باغ‌ها به کوچه‌برج یا کوچه‌آپارتمان تبدیل شده‌اند (تصویر ۳). در نتیجه کوچه‌باغ‌ها می‌توانستند به عنوان نسخه‌های ایرانی از آنچه امروزه با نام سبزه‌زار وارد ایران شده و تبلیغ و ترویج می‌شوند ایفای نقش کنند و همه عملکردهای فضاهای شهری و همه زیبایی‌های مورد نیاز مردمان را در خویش داشته باشند. کوچه‌باغ‌ها با جوی‌های جاری در میانه‌شان (که به مثابه رگهای خون‌رسان و عامل حیات شهر ایفای نقش می‌کردند) نمایش وحدت و یکپارچگی شهر نیز بودند.

۸. هندسه خاص باغ ایرانی

بی‌گمان فرم هندسی باغ ایرانی، یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های آن است. این فرم خاص هندسی، اگرچه ریشه در تاریخ کهن ایران دارد، اما دلایل دیگری را نیز می‌توان برای شکل‌گیری آن مطرح کرد. شاید اصلی‌ترین دلیل، نظام آبیاری رایج در ایران باشد که از طریق شبکه جوی‌ها و به

صلبیت آثار انسانی و ارتباط انسان با آیات الهی تأمین می‌شده است.

۴. ارتباط با تاریخ

ارتباط و تماس انسان با باغ‌های ایرانی به عنوان آثار و فضاهای تاریخی، احساس ارتباط با گذشته و پیوند با آینده در انسان است. علاوه بر نیاز و تمایل انسان به ارتباط با گذشته خویش و به عبارتی پاسخ به نیاز انسانی "ریشه‌دار بودن" که به کالبد طبیعت و آرای مطروحه در مورد آن اهمیت می‌بخشد، در تماس با گذشته و با گذشته خویش احساس زیبایی خواهد داشت. مرحوم علامه جعفری ارتباط با گذشته را یکی از مصادیق احساس زیبایی دانسته و عقیده دارد "یکی دیگر از آرمان‌های معقول ما که اگر در جهان عینی تجسمی پیدا کند، زیبایی به وجود می‌آورد، عبارتست از پیوستگی با گذشته و آینده. شاید در زندگی هیچ لحظه‌ای ابهام انگیزتر و تاریکتر از لحظه‌ای نیست که آدمی خود را به کلی گسیخته از گذشته ببیند و ناتوان در پیوستن به آینده" (جعفری، ۱۳۶۹: ۲۱۱).

۵. سادگی

باغ ایرانی متصف به صفت سادگی است. سادگی، به معنای، سهل الفهم بودن، بی‌معنایی یا تک‌معنایی نیست. بلکه

کمترین مصرف را شیوه زیست خود کرده بودند، به مرتبه‌ای از حیات طیبه رسیده‌اند.

۳. آرامش بخشی

آرامش بخشی باغ ایرانی، به دلیل ارتباط انسان با طبیعتی است که ضمن در برداشتن همه امکانات روانی، دخالت انسان در آن حداقل بوده و به این ترتیب، خالق عالم را نیز سهل‌تر از دیگران متذکر می‌شده است. ضمن عناصر باغ، واجد معانی نمادینی در فرهنگ ایرانی و جهان‌بینی توحیدی اسلام هستند، که تذکر آنها، آرامش انتقالی به انسان را فزونی می‌بخشیده است.

یکی از اصلی‌ترین، جلوه‌ها، عوامل و مکان‌های آرامش بخش، جایی است که فشار ساخته‌های انسان کمتر بر شخص وارد شود، و بیشترین ارتباط امن و اطمینان بخش و بدون ترس با طبیعت برای وی فراهم شود. باغ‌های ایرانی به دلایل عدیده‌ای این امکان آرامش بخشی را داشته‌اند. اولاً، به آن دلیل که عموماً مراتب مختلف امنیت جسمانی و حسی و روانی و فرهنگی را برای کسی تأمین می‌کرده‌اند که درون باغ قرار داشت (که امنیت اولین شرط برای کسب و حس آرامش است). دلیل بعدی، امکان تماس‌های حسی (بصری، سمعی و لمسی) با طبیعت و عناصر طبیعی در ساده‌ترین شکل خود



Pic1: Complexity of Western Gardens is in contrast with simplicity and natural beauty of Persian garden. Renaissance Castle garden, Poland. Source: www.online-utility.org.

تصویر ۱: پیچیدگی باغ‌های غربی در تضاد با سادگی و زیبایی طبیعی باغ‌های ایرانی است. باغ قصر رنسانسی، لهستان. مأخذ: www.online-utility.org

بوده است. ضمن آنکه این فضاها، عموماً امکان تفکر را نیز فراهم می‌نموده‌اند. برای آرامش، سه قلمرو اصلی وجود دارد: اول آنکه به حوزه روان مربوط می‌شود؛ و در واقع، آرامشی روانی و ذهنی و فکری مد نظر است. دیگر آرامش جسمانی یا آسایش است که به فیزیولوژی انسان مربوط می‌شود. شرایط آسایش با درجه حرارت، رطوبت، تابش، سایه، شدت نور و جریان هوا تنظیم می‌شود؛ و قلمرو سوم آرامش روحی یا "طمانینه" و "سکینه" است که از طریق تذکردهی و تلطیف

طریق فرقیابی انجام می‌شده است. ضرورت این نظام آبیاری، ایجاد شبکه های شطرنجی است که البته رعایت موضوعات مربوط به شیب زمین نیز ایجاد این سامانه را سهل تر و ممکن می‌ساخته است.

دلیل دیگری را نیز می‌توان برای هندسه خاص باغ ایرانی ذکر کرد، و آن روحیه، نظم و سادگی حاکم بر زندگی ایرانی است که در همه آثار مسلمانان ایرانی حاکم بوده است.

۹. ویژگی‌های صورت باغ

از قدیم‌الایام، فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف ویژگی‌های صوری خاصی را به عنوان معیارهای زیبایی رعایت می‌کرده‌اند که در اینجا به برخی از آنها در باغ‌های ایرانی اشاره می‌شود:

- تقارن: یکی از اصول اصلی زیباشناسی کلاسیک است.

تقارن معنایی نیز به وجود دو عنصر به عنوان قرین و همنشین دلالت دارد؛ که الزاماً شباهت و همسانی کامل کالبدی با یکدیگر دارند. باغ‌ها نیز، بدون توجه به هندسه خاص خود و به دلیل روحیه زیبایی‌شناسی ایرانی از این اصل بهره گرفته‌اند. کرت‌ها، ساختمان‌ها، ورودی‌ها، طرفین مسیرها، چوبی‌ها، آب‌نماها، بسیاری از گیاهان انتخابی و کلیت باغ، عموماً جلوه‌های متنوعی از تقارن را به نمایش می‌گذارند. در کنار همه اینها، تقارن معنایی (یا تقارن تکمیلی) به معنای حضور دو یا چند عنصر در کنار یکدیگر (مثل طبیعت و معماری، خاک و آب، نور و سایه و امثال اینها) نیز در باغ‌های ایرانیان واضح‌تر از تجارب سایر ملل قابل مشاهده است.

- تعادل: عموماً باغ‌های ایرانی از تک بعدی بودن، اعم از عملکرد، توجه به یکی از مقولات طبیعت یا معماری، نوع گیاهان، انتخاب و رجحان نور یا سایه بر یکدیگر و امثال اینها مبراً بوده‌اند، و در هر مقوله‌ای با مد نظر قراردادن غالب جوانب جلوه‌هایی از تعادل را به نمایش گذاشته‌اند. بارزترین جلوه تعادل در باغ‌های ایرانی، ایجاد فضایی متعادل از نظر نور و سایه و سایر جلوه‌ها (نسبت به اقلیم) برای زندگی و فعالیت بوده است.

- هماهنگی: در باغ‌های ایرانی به صورت مختلف و در زمینه‌های گوناگون و در تنظیم عناصر باغ رعایت می‌شده است؛ از جمله میان گیاهان، میان عناصر طبیعی و معماری، میان عناصر طبیعی (آب و خاک و گیاه)، میان عناصر طبیعی و شرایط سرزمینی، میان باغ (آثار انسانی) و ارزش‌های فرهنگی و میان سایر موضوعاتی که در مورد باغ مطرح هستند.

- حد و حریم: محصور بودن، ویژگی منحصر به فرد باغ‌های ایرانی است. همه آثار و از جمله فضاهای ایرانی با حدود و مرزهای مشخص و تعریف شده برای همگان در سلسله مراتب فضایی در جایگاه خاص خود قرار داشته‌اند. این حدود و مرزها، هم حقوقی بوده‌اند و هم کالبدی. این حدود، حصار بوده که نه تنها، اخلاقاً دیگران را از ورود به آنها بازمی‌داشته و ورودی‌های آنها را تعریف می‌کرده است؛ که بنا به مورد، از ارتباطات بصری و حتی شنیداری بین دو فضای مجاور نیز جلوگیری می‌کردند.

- در و دروازه: وجود "در" یا "دروازه" حفظ و رعایت سلسله مراتب و حرمت جایگاه‌های مختلف باغ را حفظ و رعایت می‌کرد. در بسیاری از عناصر مذهبی است "در"، عامل و وسیله ارتباط ساحت‌های وجود مادی با عالم متافیزیکی انسان هستند. به منظور نشان دادن اهمیت مفهوم "در" در تفکر اسلامی، برای نمونه، می‌توان به حدیث مشهور "أنا مدینه العلم و علی بابها" و همچنین به لقب ائمه شیعه به عنوان "باب‌الله" اشاره کرد. این موضوع عاملی جهت ارایه طرح‌های زیبا برای ورودی‌ها و "در"های معابد، و به ویژه برای ابواب یا درهای مساجد و زیارتگاه‌های مسلمین است، که عمدتاً به دلیل ویژگی درون‌گرایی خود تنها به سردرهای خویش

زیبایی باغ ایرانی تنها به زیبایی حسی (بصری) و ساحت فیزیولوژیک خلاصه و محدود نمی‌شود، بلکه علاوه بر زیبایی‌های حسی و کمی، جلوه‌های متنوعی از زیبایی کیفی (مربوط به عالم نفس) و زیبایی معنوی (مرتبط با ساحت روحانی حیات) را که از جمله ویژگی‌های خاص و والای اخلاقی ایرانیان است نیز در باغ به نمایش می‌گذارد.

شناخته می‌شوند" (نقی‌زاده، ۱۳۸۷ ب).

- تنوع کمال‌گرایانه: بسیاری از افراد تنوع را از اصول زیبایی دانسته و انسان را موجودی تنوع‌طلب می‌دانند. در مقابل این نظر، و با رد تنوع‌طلبی مطلق انسان اصولاً در جستجوی غایتی مطلوب، معنوی و بهشت جاودانه‌ایست که هر موضوع مدنی وی را مشغول می‌کند و به مرور که درمی‌یابد که آن غایت مورد نظر نیست در پی بدایع دیگر برمی‌آید. علت اینکه تنوع مطلوب است، این است که هیچ مطلوبی قدرت ندارد مطلوبیت خودش را برای همیشه حفظ کند و جهش این است که اگر آن مطلوب واقعی و حقیقی باشد، انسان از او سرد نمی‌شود و اگر سرد نشد طالب تنوع نیست. باغ ایرانی نمادی از بهشتی است که مطلوب و غایت انسان کمال‌گراست.

۸. زیبایی عناصر معماری

باغ‌های ایرانی عناصر معماری را درون خویش و پیرامون باغ جای داده‌اند که ضمن رعایت اصول معماری ایرانی، تمایزاتی نیز با آن دارند. بارزترین تمایز این آثار برون‌گرایی آنهاست که رو به طبیعت باز می‌شوند. شاید بهتر باشد به جای استفاده از تعبیر برون‌گرایی، از تعبیر وحدت درون و بیرون (و به ویژه از جهات مختلف) سخن بگوییم. چرا که فضاهای داخلی بسیاری از عمارات (مثلاً اطاق‌های یک خانه) نسبت به حیاط، برون‌گرا و نسبت به معابر، درون‌گرا هستند. اما یک اطاق تنها از یک سمت به حیاط مربوط است؛ در حالی که فضای یک گوشه از چهار سمت یا حداقل از دو جهت به بیرون و به فضای باغ مرتبط می‌شود.

جمع‌بندی

آنچه در این مختصر تبیین شده، نشان داد به عکس آنچه در بسیاری از موارد رواج دارد، نمی‌توان و نباید زیبایی را به زیبایی حسی (بصری) و ساحت فیزیولوژیک خلاصه و محدود کرد. باغ‌های ایرانی نیز که در طیف وسیعی از باغ‌های سنتی (مثمر) تا باغ‌های پیرامون قصور و حیاط خانه‌ها طبقه‌بندی می‌شوند، از این قاعده مستثنی نبوده، و علاوه بر زیبایی‌های حسی و کمی، جلوه‌های متنوعی از زیبایی کیفی (مربوط به عالم نفس) و زیبایی معنوی (مرتبط با ساحت روحانی حیات) را به نمایش می‌گذارند. همه این مراتب زیبایی، در عین حالی که همپوشانی‌هایی با یکدیگر دارند، با تأثیرپذیری از جهان بینی‌ها توحیدی و فرهنگ اصیل ایرانی، نمونه‌هایی خاص و منحصر به فرد را در طول تاریخ پدید آورده‌اند. و بالاخره، تأسّف‌نبار اینکه همه این تجارب و زیبایی‌ها فقط برای گفتن و شنیدن و حسرت خوردن مورد استفاده و استناد قرار می‌گیرند، و در طرح‌ها و برنامه‌های معاصر مورد بهره‌برداری جدی قرار نمی‌گیرند؛ و کماکان نمونه‌های بیگانه‌الگو و ملاک عمل هستند ■

پی‌نوشت

۱. برای مطالعه در این زمینه، رک: نقی‌زاده، ۱۳۸۷ الف و نقی‌زاده، ۱۳۹۲
۲. من عمل صالحا من ذکر أو انی و هو مؤمن فلنحییته حیاه طیبته؛ هر کس

از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا آورد ما او را در زندگانی خوش و با سعادت زنده (ابد) می‌گردانیم (نحل: ۹۷).

فهرست منابع

- قرآن کریم
- (۱۳۷۸). نهج‌البلاغه (مجموعه خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی‌بن‌ابیطالب)، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۶). ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، جلد ۲۵، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۶۹). زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، جلد ۱۶، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- لنگ، جان. (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: دانشگاه تهران.

تصویر ۲

Pic 2



- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). فلسفه اخلاق، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵). توحید، قم: انتشارات صدرا.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۸). مبانی هنر بصری در فرهنگ اسلامی، تهران: نشر شهر.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۷ الف). خاستگاه‌های ایده بهشت سازی در زمین، مجله کتاب ماه هنر، (۱۲۴): ۶۴-۴۰.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۷ ب). تأملی در معنای مناسک حج، تهران: نشر مشعر.

Representations of beauty in Persian gardens

Mohammad Naghizadeh, Board Member of Faculty of Arts and Architecture, Islamic Azad University, Science and research branch / dr_mnaghizadeh@yahoo.com

Abstract: Garden is one of the things made by human being that has a crucial role in giving identity to the society and the materialization of social beliefs. The philosophy behind the creation of gardens may be to give life to one of manifestations of beauty. Considering that the Persian garden has a close connection to beauty, it may be necessary to realize the principles which contribute to the beauty of the Persian garden. This is what the present research has targeted. The research methodology will be interpreting the available texts regarding the Persian garden as well as studying the remaining gardens in Iran given that the main scope of study has been described as Persian (Iranian) gardens.

The Persian garden is a manifestation of supreme values and concepts. Some have described the Persian garden as "a representation of heaven" (the Qur'anic heaven). The present research is not meant to deal with the representation of heaven in Persian gardens. Rather, it tries to address the roles of certain elements of the Persian garden as manifestations of heavenly symbols or spiritual values. It is general knowledge that all elements of nature create the image of supreme concepts in the minds of individuals, specifically Muslims and Iranians. Nonetheless, even though supreme concepts are associated with natural elements, studies have shown that the gardens in which the elements have been taken away from their natural forms are more efficient in creating the heaven effect. Overall, the main elements of Persian gardens, as investigated by researchers, are creating a sense of moral values and tranquility, establishing an association with history, simplicity, variety of plants, unique geometrical designs, symmetry, balance, accordance, boundary and beauty.

What the present research established was to show that despite what holds true with numerous cases, beauty cannot be merely dependent on what is perceived through the common means of the material world. The Persian gardens - which vary over a wide range from traditional gardens to the landscape areas around castles and even those inside house yards - are no exception to this. Rather, they represent various manifestations of quality beauty which is related to the spiritual world and heavenly beauty which is related to the supreme aspect of life. Both of these stages of beauty that overlap each other have led to the creation of unique cases of Persian

تصویر ۳

Pic 3



gardens across the history by relying on the genuine Persian culture as well as the monotheist ideologies. In conclusion, it is regrettable to see that all the beauties as visible in Persian gardens are not taken into consideration in the modern architecture of Iran and the country's architecture is still mainly focused on foreign models.

Keywords

Persian garden, Beauty, Nature, Natural elements, Iran, Islam.

Reference list

- Quran
- Jafari, M.T. (1990). *Zibai va honar az didgah-e islam* [Beauty and art from the perspective of Islam]. Tehran: Art Department of Islamic Propagation Organization.
- Jafari, M.T. (1997). *Tarjomeh va tafseer-e nahj al-balaghe* [Translation and interpretation of Nahj al-Balagha]. Tehran: Daftar-e Nashr-e Farhang-e Islami.
- Lang, J. (2004). *Creating architectural theory, the role of the behavioral sciences in environmental design*, Tehran: University of Tehran.
- Motahhari, M. (1996). *Tawhid* [Monotheism], Qom: Sadra.

- Motahhari, M. (2002). *Falsafe-ye akhlagh* [Philosophy of Ethics]. Tehran: Sadra.
- Naghizadeh, M. (2008a). *Khastgahay-e idey-e Beheshtsazi dar Zamin* [The origins of the idea of paradise on Earth]. *Journal of Mah-Honar*, (124):40-64.
- Naghizadeh, M. (2008b). *Taamoli dar manay-e manasek-e haj* [Reflect on meaning of the rites of the Hajj]. Tehran: Mashar Publication.
- Naghizadeh, M. (2009). *Mabani-ye honar-e dini dar farhang-e eslami* [Principles of religious art in Islamic culture], Tehran: Nashr-e Shahr Publication.
- Nahj al-Balagha. (1999). translated by Abdol-Mohammad Ayati. Tehran: Daftare Nashre Farhang Islamee.
- Tabatabai, M. H. (1995). *Tafsir-e Al-Mizan* [interpretation of Al-Mizan]. Translated (from Arabic to Persian) by Seyed Mohammad Bagher Hamedani, (16), Qom: Islamic office Publications.

تصویر ۳: کوچه‌باغ‌های جداکننده باغ‌های ایرانی، نمایش‌دهنده زیبایی و یکپارچگی شهر بودند. مأخذ: www.panoramio.com

تصویر ۳: امروز کوچه‌باغ‌ها به کوچه‌برج یا کوچه‌آپارتمان تبدیل شده‌اند. مأخذ: نگارنده.
Pic3: Today, alleys in Iran have turned into apartment streets or tower street. Source: author.

Pic2: Alleys separating the Persian gardens represent the beauty and integrity of the city. Source: www.panoramio.com